**انترناسیونال ۶۹۴**

**در مورد تحولات سیاسی ترکیه**

***انترناسیونال:*** *یکی از رخداد های مهم سال گذشته کودتای نافرجام در ترکیه و بدنبال آن موج سرکوب توسط دولت اردوغان به همین بهانه بود. ارزیابی شما از تحولات ترکیه چیست؟*

**کاظم نیکخواه:** ترکیه مدتهاست که دچار بی ثباتی شدید و یک بحران عمیق سیاسی و حکومتی است. تنشهای حاد سیاسی این کشور را به انشقاق و صف بندیها و گسستهای اجتماعی عمیقی کشانده است. کودتای نظامی سال گذشته فقط یکی از بروزات و عوارض این وضعیت بشدت تنش آلود بحساب می آید.

دولت اردوغان و حکومت حزب اسلامی "عدالت و توسعه" که از سال ٢٠٠٢ بر ترکیه حاکم است، آشکارا مصمم است که جامعه ترکیه را از خیلی از جنبه ها به عقب گرد بکشاند. اسلامی کردن قوانین و از بین بردن سنتها و قوانین سکولار در ترکیه، محدود کردن آزادیهای سیاسی و اعمال دیکتاتوری و سرکوب، یکه تازی حکومتی ها و دزدیها و رشوه و فساد گسترده اقتصادی، اینها از عوامل خشم و اعتراضات گسترده مردم علیه این حکومت بوده است. درکنار اینها باید پشتیانی همه جانبه و آشکار دولت اردوغان از جریانات تروریست اسلامی بویژه داعش را نام برد که مورد نفرت مردم است. و یک جنبه دیگر نیز که بسیار مهم است سرکوب مردم کردستان و جنایات وسیعی است که در کردستان علیه مردم صورت میگیرد. همه اینها باعث شده است که دولت اردوغان در ترکیه مورد خشم و نفرت گسترده مردم بویژه کارگران و بخش پیشرو جامعه باشد.

از حدود سال ٢٠١٢ چند روند موازی پا به پای هم رشد کرده است. یکی کند شدن رشد اقتصادی قبلی در این کشور و شروع یک درجه رکود اقتصادی است که از این سالها شروع به ظاهر شدن کرد و بیکاریهای گسترده ای را بدنبال داشته است که پابپای رشد فساد و دزدی حکومتی ها و رشوه و باندبازیها رو به رشد است. گرانی و بیکاری پابپای هم از این سالها فشار بیشتری را روی کارگران و اقشار پایین جامعه گذاشته است. همزمان با این وضعیت دولت اردوغان منابع مالی و پروژه های اقتصادی گسترده ای را با دست و دل بازی در اختیار نور چشمی ها و بالایی ها قرار داد که آنها هم باعث نارضایتی های شدید اجتماعی شد. یکه تازی و تعرضات حکومتی ها به اقشار مردم، و فضای دستگیریها و اختناق سیاسی نیز همزمان با این دوره شدت بیشتری پیدا میکند. این وضعیت در کنار تلاشهای آشکار اردوغان و حکومتش برای اسلامی کردن قوانین و کنار زدن قوانین سکولار ترکیه اعتراضات زیادی را علیه این حکومت دامن زد.

گسترده ترین و شناخته ترین این اعتراضات، "قیام پارک قزی" استانبول بود که در سال ٢٠١٣ شروع شد. در این سال در اعتراض به طرح نابود کردن فضای سبز پارک قزی در میدان تقسیم استانبول، جنبشی عظیم شکل گرفت که سراسر ترکیه را فرا گرفت و راهپیمایی ها و تظاهراتها و اعتراضاتی به جریان افتاد که مدتها ادامه یافت. این اعتراضات به هیچوجه به استانبول و مساله پارک قزی محدود نماند و خواست سرنگونی دولت عدالت و دفاع از سکولاریسم و دفاع از آزادی عقیده در شعارهای این جنبش بسیار برجسته بود. بنا به گزارشها از میان ٨١ استان ترکیه حدود ٨٠ استان چندین ماه درگیر تظاهرات علیه دولت اردوغان بودند و میلیونها نفر در آن شرکت داشتند. این تظاهراتها با سرکوب خونین و تعرض حکومت اردوغان و دستگیریهای وسیع نهایتا عقب رانده شد. اما تاثیرات عمیقی بر جامعه ترکیه گذاشت و بحران و شکافهای غیرقابل جبرانی را در درون حکومت اردوغان دامن زد.

جنبش پارک قزی و اعتراضات و حرکتها و جنبشهای اعتراضی متعدد و بسیار گسترده قبل و بعد از آن نشان داد که جامعه ترکیه بشدت قطبی شده است. دولت اردوغان خودرا با مصافها و بحرانها و مقاومت وسیعی روبرو می دید و عقب نشینی های زیادی به آن تحمیل شد. اعتراضات بخشهای سکولار و کارگری و روشنفکران و دانشجویان طی سال ٢٠١٣ و ٢٠١٤ به اوج خود رسید.

همزمان با این اعتراضات دولت اردوغان به دلیل رقابتها و سیاستهای ارتجاعیش در منطقه و دفاع و حمایت فعالش از جریان آدمکش داعش در سوریه و عراق، در سطح بین الملی منزوی تر و مطرود تر میشود و زیر فشار زیادی قرار میگیرد. تنشها میان این دولت با دولت آمریکا ودولتهای اروپایی نیز حاد میشود.

در متن این شرایط است که دولت اردوغان در نوعی سردرگمی سیاسی، از سیاست قبلی که مذاکره با پ ک ک و نوعی آتش بس با آن به امید وارد شدن به اتحادیه اروپا بود کنار میکشد و از اواسط سال ٢٠١٤ جنگ و بمباران مناطق کردنشین را شروع میکند که تا کنون تلفات و قربانیان زیادی از مردم گرفته است. دولت اردوغان در انتخابات ماه ژوئن سال ٢٠١٥ عقب نشینی ای را متحمل شد و در برابر، حزب دموکراتیک خلقها و برخی دیگر احزاب مخالف اردوغان پیروزیهای چشمگیری بدست آوردند. این انتخابات گرچه همچنان حزب عدالت و توسعه را در اکثریت نگه داشت، اما نشان دهنده روند افول اردوغان و حزب اسلامیش بود.

با این شکست نسبی اردوغان سیاست های توطئه گرانه و سرکوبگرانه اش را تشدید کرد، سمت و سوی آشکار ناسیونالیسم و پان ترکیسم را که تاکنون با آن مخالفت میکرد بخود گرفت، از اروپا و غرب فاصله بیشتری گرفت و مذاکراتش با "پ ک ک" را متوقف نمود. این شروع دور تازه ای از جنگ و جنایت و بمباران در مناطق کردستان و سرکوب و اختناق و دستگیریها در سایر مناطق بود.

در ادامه این شرایط و در فضای بحرانی ترکیه است که در ١٥ ماه ژوئیه سال ٢٠١٦ بخشهایی از افسران رده بالای ارتش دست به کودتا زدند و تلاش کردند قدرت را از دست حزب عدالت و توسعه و اردوغان خارج کنند. اما این کودتا به دلایلی شکست خورد و شدیدا سرکوب گردید.

اردوغان این کودتا را به فتح الله گولن رقیب سیاسی خود که در آمریکا بسر میبرد نسبت داد و مستقیما دولت آمریکا و غرب را به دست داشتن در کودتا برای برکنار کردن خود متهم کرد. اما هر دلیلی که این کودتا داشته باشد اردوغان از آن چون مائده ای آسمانی استفاده کرد و وسیعترین سرکوب سیاسی را علیه تمام مخالفین خود به جریان انداخت و تلاش کرد اختناق تمام عیاری را بر جامعه ترکیه حاکم نماید و فضای اعتراضات را عقب براند. طی چندماه گذشته حدود ٢٠٠ هزار نفر از معلمان و کارگران و کارمندان به اتهام همکاری با گولنیستها از کار اخراج شده اند. حدود ٥٠ هزار نفر دستگیر و زندانی شده اند. و هرگونه انتقاد و مخالفت با دولت به شدت سرکوب میشود. و کلا دولت اردوغان تلاش کرده است یک اختناق تمام عیار را بر ترکیه حاکم کند.

همزمان با این سرکوب، جنگ در مناطق کردستان ترکیه و حتی کردستان عراق و سوریه علیه نیروهای سیاسی کردستان شدیدا به جریان افتاده است و هزاران نفر از مردم این مناطق توسط ارتش این کشور کشتار شده اند و دهها هزار نفر آواره شده اند. حتی رهبران و نمایندگان پارلمانی احزابی مثل حزب دموکراتیک خلقها دستگیر و زندانی شده اند.

دولت اردوغان در ادامه این وضعیت نزدیکی خودرا با دولت روسیه و پیمان شانگهای و فاصله گرفتن از اتحادیه اروپا اعلام کرد.

این چرخشی جدی در سیاست ترکیه طی چند دهه اخیر است و عواقب و عوارض زیادی خواهد داشت و بحران سیاسی و اقتصادی این کشور را شدت بیشتری داده و تعمیق کرده است.

بطور خلاصه حاکمیت سیاسی در ترکیه شدیدا دچار بحران و سردرگمی است. شکستهای سیاسی و دپیلماتیک متعددی را متحمل شده و در درون جامعه با نفرت و خشم بخشهای پیشرو و کارگری و چپ و سکولار جامعه روبروست. جامعه ترکیه شدیدا قطبی و از هم گسسته است. گرچه حزب عدالت و توسعه بدرجه قابل توجهی همچنان از حمایت بخشهای سنتی و مرفه جامعه ترکیه برخوردار است اما بخش های عظیمی از مردم بویژه بیشتر کارگران و دانشجویان و معلمان و بخشهای روشنفکری جامعه علیه این حکومت هستند و بشدت از آن متنفرند. حتی بخشهای قابل توجهی از سرمایه داران ترکیه از سیاستهای تنش آفرین و دوری از اروپا و غرب بشدت ناراضی هستند.

این وضعیت در ترکیه بر خلاف برخی ارزبابی های ساده انگارانه ژورنالیستی قابل دوام نیست و بدون تردید فضای بحرانی کل منطقه و التهاب موجود در خود جامعه ترکیه و تضادها و تناقضات عظیمی که در میان جنبشها و جریانات مختلف وجود دارد خیلی زود به اشکال حاد دیگری سر باز خواهد کرد و تنشها و بحرانهای سیاسی تازه ای را دامن خواهد زد و بر کل فضای جامعه ترکیه و منطقه تاثیر خواهد گذاشت.